

انفال

نوشته آیت الله العظمی منتظری



آیت الله محمدی گیلانی

در دست آنان نبوده باشد، زیرا هر مصوبی بدون استثنا، به مالکش باید رد شود."

(خبر چهارم از باب مذکور)

و در صحیحه، داود بن فرقد میگوید که امام صادق علیه السلام فرمودند: "زمین - های اختصاصی شاهان ملکام است و مردم در آنها هیچ سهمی ندارند (خبر ششم از باب مذکور)."

و در موثق سماع بن مهران است میگوید: "از امام علیه السلام راجع بانفال پرسیدم؟ فرمودند: هر زمین مخروبه‌ای یا هر چیزی که از مختصات سلاطین است، از املاک خالصه، منصب امامت است و مردم در آنها سهمی ندارند (خبر هشتم)."

و روایت علی بن ابراهیم در تفسیرش از اسحاق بن عمار که گفت: "راجع بانفال از امام صادق - علیه السلام - پرسیدم؟ فرمودند: ... آنچه که اختصاصی شاهان است با امام تعلق دارد." (خبر بیستم) و روایت عیاشی از ثمالی از امام باقر - علیه السلام - گفت: از آنحضرت شنیدم که در باره شاهانی که برای مردم قطائع

صفایای ملوک، اشیا، و عتیقه‌جاتی است گرانبها که برایشان برگزیده شده بود در خانه‌ها و یا کاخهای سلطنتی آنان موجود است.

و دلیل بر آنکه قطائع و صفایای مذکور از انفال و ملک منصب امامت است، روایات بسیاری است که صاحب کتاب وسائل - رحمه الله - در جلد ششم از کتاب مذکور در باب اول از ابواب انفال ذکر فرموده‌اند که به ترجمه بعضی از آنها ذیلا اکتفا میشود و شماره خبر نیز ثبت میگردد که اهل بحث به آسانی مراجعه فرمایند:

در مرسله طولانی حماد بن عیسی، امام علیه السلام می‌فرماید: "آنچه در استیلا، ملوک از اشیا، برگزیده است، متعلق با امام مسلمین است در صورتی که به طریق غضب

۶ - از انفال و اموال عمومی قطائع پادشاهان و صفایای آنان است، محقق علیه الرحمه در شرائع فرموده:

" هنگامی که سرزمین کشف شود، آنچه که از قطائع و صفایا متعلق به سلاطین آنان بوده است به امام مسلمین تعلق می‌گیرد در صورتی که از مسلمانان یا معاهدی غضب نگردیده باشد. و همچنان برای امام مسلمین جائز است که از غنیمت آنچه را که میخواهد از مرکوب و جامه و جاریه و غیر اینها در حد اعتدال برگزیند."

مقصود فقها از قطائع پادشاهان، زمینهای اختصاصی آنان است که طبعاً زمینهای مذکور بر مزایا و آبادانیهای ویژه مقام سلطنت مشتمل است، و مقصود از

تعمین می کنند ، میفرمودند : تمام آنها از غنیمت و در گروه انفال و نظائر آن محسوب میشود (خبری ام) .

و در روایت دیگری از وی از امام باقر - علیه السلام - است که فرمودند : "مختصات ملوک متعلق به امام است" (خبری ویکم) .
و از داود بن فرقد در حدیثی از امام صادق - علیه السلام - است که گفت : از انفال پرسیدم ، بعد از ذکر مصادیقی چند فرمودند : " و قطائع ملوک " یعنی زمینهای مختص به پادشاهان . (خبری و دوم) .
و از خبر ثمالی استفاده می شود که مقصود از قطائع ، زمینهایی است که سلاطین به خواص خود برگزار میکنند و ممکن است که اعم از آنها و زمینهای مختص بخودشان باشد .

و شاید راز این حکم (یعنی تعلق داشتن اقطاعی که سلاطین بخواص خود می دادند با امام) این باشد که اقطاع مذکوره در صورت عدم غصب ، از زمینهای ارزنده ای است که طبعاً از اموال عمومی میباشد و امام ، آنها را بنفع امت مصادره می نماید و به اصلش باز میگردد و همین است مقصود از تعلق داشتن آنها با امام .

و اما آنکه در شرائع فرموده که امام مجاز است از غنیمت ، نخبه آنها را برگزیند علامه حلی " قدس سره " در کتاب " منتهی " می فرماید : " همه علما ، ما بر همین عقیده اند و جمع کثیری از اهل سنت روایت کرده اند که رسول الله - صلی الله علیه و آله - در جنگ خیبر و غیر آن از غنائم جنگی ، کنیزک و اسب و مانند آنها را انتخاب می فرمودند " و دلیل بر حکم فوق از اخبار ، صحیحه ربعی از امام صادق - علیه السلام - است که فرمودند :

" کان رسول الله - صلی الله علیه و آله - اذا اتاه المغنم اخذ صفوه وكان ذلك له ، ثم يقسم ما بقى خمسة اقسام و يأخذ خمسة ... و كذلك الامام اخذ كما اخذ الرسول صلی الله علیه و آله " .

" وقتی که برای رسول الله - صلی الله علیه و آله - غنیمتی می آمد ، نخبه آن را اخذ می فرموده که متعلق به خود آن حضرت بوده ، سپس مابقی را به پنج قسم مساوی تقسیم می نموده و یک پنجم را برمی داشته ... و امام نیز چنان می کند ، و انجام می دهد آنچه را که رسول الله (ص) انجام می داده " .

و صحیحه ، ابی الصباح است که میگوید : امام صادق - علیه السلام - فرمودند :
" نحن قوم فرض الله طاعتنا ، لنا الأنفال " و لنا صفو المال " .
ما قومی هستیم که خداوند تعالی اطاعت ما را بر مردم واجب فرموده است ، و انفال

و خبر ابی بصیر از امام صادق (ع) است می گوید :
" سألت عن صفو المال ؟ قال : الامام " یاخذ الجارية الروقة والمركب الفاره " و السيف القاطع و الدرع قبل ان تقسم " الغنيمة فهذا صفو المال " .

" از آن حضرت راجع به نخبه مال پرسیدم ؟ فرمودند : امام قبل از تقسیم غنیمت ، کنیزک زیبا و مرکب راهوار و شمشیر تیز و زره جنگی را برای خود انتخاب می نماید ، اینها است نخبه اموال .
و مرسله ، مقنعه از امام صادق (ع) که فرمودند :

" نحن قوم فرض الله طاعتنا في القرآن " لنا الأنفال و لنا صفو المال ، یعنی " بصفوها ما احب الامام من الغنائم " و اصطفاه لنفسه قبل ان يقسم من الجارية الحسناء و الفرص الفاره و الثوب الحسن " و ما شبه ذلك من رقيق او متاع علی "

آنچه در استیلاء ملوک از اشیاء برگزیده است ، متعلق به امام مسلمین است در صورتی که به طریق غصب در دست آنان

پژوهنده باشد ، زیرا هر مفصومی باید به مالکش رد شود .

" ما جاء بالأثر عن السادة عليهم السلام " ما قومی هستیم که خداوند تعالی در قرآن ، اطاعت ما را بر مردم واجب فرموده است ، انفال و نخبه های مال به متعلق دارد شیخ مفید - ره - صاحب مقنعه می فرماید : مرادشان از صفو مال ، آنچه را که امام دوست دارد و از غنائم برای خود انتخاب می کند می باشد که قبل از تقسیم ، انجام می دهد ، از قبیل کنیز زیبا و اسب راهوار و جامه نیکو و نظیر اینها از عبد و متاع ، طبق آنچه که از ائمه علیهم السلام روایت گردیده است .
مرحوم محدث نوری - علیه الرحمه - در مستدرک از کتاب عاصم بن حمید حناط

و نخبه های اموال به متعلق دارد .
و بیان امام در مرسله طولانی چهارمین عیبی ، " و للإمام صفو المال ان يأخذ من هذه الاموال صفوها : الجارية الفارسة و الدابة الفارسة و الثوب و المتاع مما يحب او يشتهي ، فذلك له قبل القسمة و قبل اخراج الخمس " .
برای امام است نخبه مال ، او میتواند از این اموال نخبه هایش را بردارد : کنیز زیبا و مرکب راهوار و جامه و متاع و از هر چه که دوست دارد و مورد رغبت او است ، و این انتخاب برای وی قبل از تقسیم و اخراج خمس است .

از ابی بصیر و او از امام باقر - علیه السلام - روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: صفی بما اختصاص دارد، ابوبصیر میگوید: عرض کردم: صفی چیست؟ فرمودند: صفی بهترین برده و شتر که مطلوب است می باشد، پس از آن، شروع به سهم و تقسیم می شود.

و براهل بصیرت پوشیده نیست که ممالک اختصاصی پادشاهان و عقیده جات آنان و نخبه های غنائم، اشیا، نفیسه و گرانبهای است که مورد رغبت همه مردم است و بنا به نگرهداری آنها مایه مباحات و مخاصمه می شود، بنابراین تقسیم آن بین جنگجویان ذینفع در غنیمت، همراه مشکلاتی است زیرا طبعاً سبب تشاجر و تفسیرهای غیر مرضی، و تهییج دشمنی و حسادت میگردد. و مضافاً بر این، مصلحت ایجاب می کند که بعنوان ذخیره و پشتوانه در خزائن دولت اسلامی باقی بماند که روز نیاز دولت و امت به بهره برداری شود، به همین جهت، اینگونه اشیا از مختصات منصب امامت گردیده و زمام آن ها بدست امام سپرده شده است که در صورت صلاح، در مصالح امت و امامت مصرف نماید و با این تدبیر، ریشه تشاجر و تخاصم نیز قطع می شود. (چند سطری از عبارت استاد مؤلف - مدظله - را نیازی بنقل و ترجمه ندیدم).

۷- از انفال و اموال عمومی، آن چیزی است که رزمندگان بدون اذن امام بغنیمت می گیرند و این رای مشهور بین اعلام است بلکه شیخ الطائفه (شیخ طوسی) در مسئله شانزدهم از مسائل "فی" کتاب "خلاف" مدعی است که مورد اجماع شیعه و موافق اخبارتان می باشد. و فقها عظام برای این رای بمرسله و راق استدلال فرموده اند که در مسئله خمس غنائم مورد بحث قرارداد ما به آنجا مراجعه شود.

۸- از انفال و اموال عمومی، چنانکه جماعتی فرموده اند، معادن است اگر چه گروهی مخالفند و ما در مبحث خمس معادن، متعرض بحث مذکور شده ایم و گفتیم که

اقوی آنست که معادن از انفال است بعد آنجا مراجعه شود.

۹- از انفال و اموال عمومی، میراث شخص بدون وارث است که مرحوم علامه حلی "قدس سره" در کتاب منتهی فرموده: "همه علما" بر این رأیند که میراث شخص بدون وارث از مختصات امام است و به بیت المالش منتقل می شود.

و شیخ الطائفه "قدس سره" در رساله اول از مسائل فرائض کتاب خلاف می فرماید: "میراث کسی که وارث ندارد و ولی نعمتی - مرادش مولای معتق است - برای وی نیست متعلق به امام مسلمین است و فرقی در انسان بلا وارث نیست که مسلمان باشد یا ذمی، ولی همه فقها" اهل سنت گفتند که میراث مذکور به بیت المال که متعلق به جمیع مسلمین است تعلق دارد، دلیل ما "طایفه شیعه" اجماع و اخباری است که در دست ما می باشد.

و مانند همین نظر را با تفصیلی در مسئله چهاردهم بیان فرموده اند و این تعبیر را افزودند: "و ایضا جای خلائی نیست که امام مختار است مال مذکور را به قومی دون قومی اختصاص دهد".

و اخبار بسیاری بر ثبوت رای فوق دلالت میکند: که از آنجمله روایت صحیحه محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام است که فرمودند:

"من مات و لیس له وارث من قرابته و لا مولی مما تاه قد ضمن جریرته فماله من الأنفال".

اگر کسی بمیرد و وارثی از خویشاوندانش ندارد و برای او مولای معتق که ضامن بزهو جنایتش شده است، نباشد مال چنین متوفائی از انفال و اموال منصاب امامت است. و خیر صحیح محمد حلی از امام صادق - علیه السلام - در تفسیر آیه: "یسئلونک عن الأنفال" است که فرمودند:

"من مات و لیس له مولی فماله من الأنفال" اگر کسی بمیرد و وارثی - حتی - مولای معتق ندارد، مال او از انفال است.

و خبر صحیح دیگرش از آن حضرت (ع) که فرمودند:

"من مات و ترک دیناً فعلینا دینه و" "الینا عیاله و من مات و ترک مالاً" "فلورثته، و من مات و لیس له مولی" "فماله من الأنفال".

اگر کسی بمیرد و دینی بعهده دارد، بر عهده ما است که دینش را ادا کنیم و عیالش را تکفل نمائیم، و کسی که مرده و مالی بجا گذاشته متعلق بورثه او است و کسی که مرده است و هیچ وارث و مولائی ندارد، اموال او از انفال است.

و خیر ابان بن تغلب از امام صادق (ع) که فرمودند:

"من مات لا مولی له و ثارثه فهو من" "اهل هذه الآیه: یسألونک عن الأنفال" "قل الأنفال لله و الرسول".

اگر کسی بمیرد و هیچ وارث و مولائی ندارد، او از اهل آیه انفال است، یعنی یکی از مصدق این آیه است.

و خبر حمزه بن حرمان از امام صادق (ع) که ترجمه قسمتی از آن چنین است: "اگر متوفای با احدی ولا" برقرار نکرد تا آنکه میراث وی به امام مسلمین تعلق دارد.

و خیر محمد بن قاسم بن فضیل از امام ابی الحسن الرضا - علیه السلام - است که در باره کسی که مالی از مرد متوفائی در دستش آمده و وارثی برای او سراغ ندارد، با آن مال چه کند؟ امام - علیه السلام - فرمودند: چقدر خوب می شناسی کسی را که مال مذکور به او تعلق دارد، مراد امام - علیه السلام - شخص خودشان بود ما است و در مرسله طولانی حماد است: که امام وارث کسی است که وارث ندارد و او کفیل بیچارهها است.

ادامه دارد